

# Analysis of Ayatollah Khamenei's View on 'Qawl al-Zur' and Critique of the Commentators' Opinions Regarding It

(Received: 2025-08-01 Acceptance: 2025-10-20)

Maryam Nazarbeighi<sup>1</sup> , Mohsen Faryadres<sup>2</sup> ,  
Somayeh Cheloi<sup>3</sup>

## Abstract

The noble verse "وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ" (Hajj/30) is one of the most debated verses in the field of interpretation, with commentators from both Sunni and Shia traditions presenting diverse and varying views on its meaning. This article aims to analyze the interpretative perspective of Ayatollah Khamenei (may his shadow remain) on this verse and critique the views of commentators from both traditions. Initially, the literal meanings of the words "قول" (speech) and "الزور" (falsehood) are examined, followed by the presentation of three diverse perspectives on "قول زور" (false speech) under three general theories: "قول باطل" (false speech), "فعل باطل" (false action), and "باطل مطلق" (absolute falsehood). The first perspective considers قول زور to include lying, slander, and false testimony. The second perspective interprets it as behaviors such as singing (غنا) and misleading actions. Meanwhile, the third perspective, attributed to Ayatollah Khamenei, interprets "قول زور" as absolute falsehood in speech, behavior, and thought. This research, through its examinations, demonstrates that the third perspective is more comprehensive and accurate than other views, as it aligns more closely with Quranic and narrative foundations. This interpretation emphasizes the fight against any deviation from truth in all aspects of individual and social life.

**Keywords:** The Holy Quran, Ayatollah Khamenei, Commentators of Both Groups, Qawl al-Zur, Falsehood, Music.

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. (Corresponding author) m.nazarbeygi@abru.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. m.faryadres@abru.ac.ir

3. Master's Student in Quranic Sciences and Hadith at Ayatollah Boroujerdi University (RA) bbynamy4@gmail.com



## تحلیل دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (دام ظلّه) درباره «قول الزور» و نقد آراء مفسران درباره آن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴-۰۵-۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۷-۲۸)

مریم نظریگی<sup>۱</sup>

محسن فریادرس<sup>۲</sup>

سمیه چلوی<sup>۳</sup>

### چکیده

آیه شریفه «وَأَجْتَبِئُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج/۳۰) از آیات پرمناقشه در حوزه تفسیر است که مفسران فریقین دیدگاه‌های متفاوت و متنوعی درباره معنای آن ارائه کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تحلیل دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (دام ظلّه) درباره این آیه و نقد دیدگاه‌های مفسران فریقین نگاشته شده است. ابتدا معنای لغوی واژگان «قول» و «الزور» بررسی و سپس سه دیدگاه متنوع درباره «قول زور» در سه نظریه کلی «قول باطل»، «فعل باطل» و «باطل مطلق» مطرح شده است. دیدگاه نخست، قول زور را شامل دروغ، افترا و شهادت به ناحق می‌داند. دیدگاه دوم، آن را به رفتارهایی چون غنا و اعمال گمراه‌کننده تفسیر می‌کند. در این میان، دیدگاه سوم که متعلق به آیت‌الله خامنه‌ای است، «قول زور» را به مطلق باطل در گفتار، رفتار و اندیشه تفسیر می‌کند. این پژوهش با بررسی‌های مربوطه، نشان می‌دهد که دیدگاه سوم به دلیل برخورداری از اصول و قواعد تفسیری مهمی مانند «توجه به تاریخ‌گذاری روایات تفسیری آیه مربوطه»، «حجیت معنای لغوی»، «توجه به قاعده «جری و تطبیق» و «سیاق» جامع‌تر و دقیق‌تر از سایر اقوال است؛ این تفسیر ناظر به مبارزه با هرگونه انحراف از حق در تمامی ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی است.

**کلمات کلیدی:** قرآن کریم، آیت‌الله خامنه‌ای، مفسران فریقین، قول الزور، باطل، غنا.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، لرستان، بروجرد، ایران؛

(نویسنده مسئول) m.nazarbeygi@abru.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، لرستان، بروجرد، ایران.

m.faryadres@abru.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته علوم قرآن و حدیث - گرایش معارف قرآن، دانشگاه آیت‌الله

بروجردی (ره)، لرستان، بروجرد، ایران. bbynamy4@gmail.com



## ۱. بیان مسئله

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت انسان، مشتمل بر معارفی است که دامنه وسیعی از اخلاق، احکام، عبادات و روابط انسانی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. از جنبه‌های اعجاز این کتاب شریف آن است که آیات آن را می‌توان در محورهای گوناگونی مورد توجه قرار داد. همچنان که مفسران بسته به روش و گرایش‌های تفسیری خود استنباط‌های فقهی، اخلاقی و یا تربیتی از آیات قرآن ارائه نموده‌اند. در آیه ۳۰ سوره مبارکه حج خداوند متعال اجتناب از «قول زور» را در ردیف اجتناب از «پرستش بت‌ها» و «خوردن چارپایان حرام گوشت» قرار داده است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ: این است [آنچه مقرر شده] و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است، و برای شما دامها حلال شده است، مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود. پس، از پلیدی بتها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید». (حج/۳۰) برای تعبیر «قول الزور»، علیرغم سادگی لفظ، تفسیر یکسانی از سوی مفسران ارائه نشده است. این که آیا این آیه فقط مشتمل بر یک حکم فقهی است و بر حرمت «غناء و موسیقی» دلالت دارد یا ابعاد وسیع‌تری از معانی اخلاقی و تربیتی را در بر می‌گیرد محل بررسی است. یکی از گرایش‌های مهم تفسیری معاصر، رویکرد اخلاقی، اجتماعی و تمدنی است که در این بین، تفاسیر رسیده از آیت الله خامنه‌ای دارای جایگاه ویژه‌ای است. پژوهش حاضر بر آن است که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه تطبیقی، دیدگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای در تفسیر «قول زور» را با آرای مفسران فریقین مقایسه و به پرسش‌های مهم زیر پاسخ دهد:

- چرا مفهوم «قول الزور» از دیدگاه مفسران فریقین دچار تضییق و یا توسیع می‌گردد؟
- دلایل رجحان تفسیر آیت الله خامنه‌ای از تعبیر «قول الزور» نسبت به سایر تفاسیر چیست؟

## ۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته، هنوز مطالعه‌ای جامع و روشمند که دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای درباره آیه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» را به صورت مستقل تحلیل کرده و آن را در بستر تطبیقی با آراء مفسران فریقین نقد و بررسی کند، به طور کامل صورت نگرفته است. پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ علمی را پر کرده و با تحلیل مبانی نظری و شواهد تفسیری، علت جایگاه برتر این دیدگاه را به عنوان قرائتی نو و جامع از مفهوم «قول زور» تبیین نماید.

### ۳. ادبیات نظری تحقیق

پیش از شروع بحث، لازم است معنای لغوی «قول» و «الزور» بررسی و بیان شود:

#### ۳-۱. معنای لغوی «قول»

ریشه واژه «قول» در زبان عربی، «ق-و-ل» است. تعابیر اندیشمندان در این خصوص متفاوت است. ابن فارس ریشه‌ی «قول» را واژه‌ای صحیح و واحد می‌داند که بر «گفتار» و «نطق» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵/۴۲). راغب اصفهانی بر این نکته تأکید می‌کند که «قول» در اصل به ترکیبی از حروف اشاره دارد که بر اساس تلفظ شکل می‌گیرد، خواه به صورت تکواژ یا به صورت جمله باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۳۶). از این منظر، «قول» ابزاری برای انتقال معنا از طریق زبان است. در این میان، مصطفوی «قول» را بیان‌کننده‌ی محتوای درونی انسان می‌داند که می‌تواند از طریق هر وسیله‌ای (زبانی، نوشتاری یا حتی رفتاری) ظهور یابد (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۹/۳۷۶). در آخر، حسن جبل معتقد است معنای محوری این واژه، «مدیریت علت لطیف و غیرمستقیم» است؛ به این معنا که «قول» نه تنها بیان مستقیم یک مفهوم، بلکه ابزاری برای تنظیم، مهار و کنترل شیوه‌های بروز معنا در سطوح مختلف است (حسن جبل، ۲۰۱۰م، ۱۸۲۵). اما می‌شود چنین اظهار داشت که «قول» به مثابه پُل میان «ذهنیت فردی» و «عینیت اجتماعی» عمل می‌کند. ولی در نهایت، همگی «قول» را سازوکاری برای انتقال محتوای ذهنی (اندیشه، احساس، نیات) به صورت‌های عینی (کلام، نوشتار، نماد) می‌دانند. بنابراین، «قول» نه تنها یک ابزار بیانی، بلکه سازوکاری پیچیده برای انتقال معانی و مدیریت آنها در سطح فردی و اجتماعی است.

#### ۳-۲. معنای لغوی «الزور»

واژه‌ی «زور» باریشه‌ی «ز-و-ر» در زبان عربی، حامل معنای محوری انحراف از حق است، اما با تفاوت‌هایی ظریف در تعابیر اندیشمندان همراه است. ابن فارس، «زور» را به معنای گرایش و انحراف از مسیر حق تعریف می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳/۳۷). راغب اصفهانی، با تمرکز بر جنبه‌ی عینی تر، «زور» را انحراف از جهت می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۸۷). در این بین، مصطفوی نگاه خود را به بُعد پنهان «زور» معطوف می‌کند و آن را «انحراف باطنی در پوشش حفظ ظاهر» توصیف می‌نماید. این تعریف به «دوگانگی رفتار» اشاره دارد؛ مانند فردی که در ظاهر به اصول پایبند است، اما در نیت و عمل، از حق منحرف می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۴/۳۸۴). نهایتاً، حسن جبل با نگاهی استعاری، «زور» را ساختاری منسجم از اجزای به ظاهر



مرتبط می‌داند که با گسترش و انعطاف پذیری، واقعیت را می‌پوشاند. (حسن جبل، ۲۵۰ م، ۱۹۰) در مجموع، «زور» فراتر از یک انحراف ساده، نشانگر فاصله‌گیری آگاهانه یا ناآگاهانه از حقیقت است؛ چه در سطح فردی (به شکل ریاکاری) و چه در سطح جمعی (به عنوان سازوکاری برای پوشاندن واقعیت). می‌توان گفت که زور در همه‌ی تعاریف فوق، بر محوریت «انحراف از حق» استوار است.

#### ۴. مفهوم «قول الزور» در تفاسیر

آراء مفسران درباره‌ی معنای «قول الزور» در آیه‌ی شریفه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» به تفصیل و گستردگی قابل توجهی پرداخته‌اند که در ادامه به شرح و بسط این دیدگاه‌ها می‌پردازیم تا هم عمق معنایی این عبارت روشن‌تر شود و هم دامنه کاربرد آن بهتر فهمیده شود.

##### ۴-۱. تفسیر «قول زور» به معنای «قول باطل»

برخی از مفسران، تعبیر «قول زور» را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که در مجموع، معنای وسیع و کلی «قول باطل» را در بر می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، «قول زور» شامل انواع سخنانی است که حقیقت و درستی را نفی می‌کنند و موجب گمراهی افراد یا ایجاد ظلم و ستم می‌شوند. این موارد را می‌توان به سه دسته اصلی و مهم تقسیم کرد که هر یک به نوبه خود ابعاد مختلفی از «قول زور» را روشن می‌سازند: **الف) هر نوع گفتار باطل:** «قول زور» در این معنا به هر سخنی اطلاق می‌شود که برخلاف حقیقت و اصول پذیرفته شده باشد و از این رو، نادرست و غیرواقعی به شمار می‌رود. با این توضیح که گفتار باطل می‌تواند به صورت شهادت دروغ باشد؛ امری که حقوق افراد را تضییع کرده و تصویر حقیقت را تحریف می‌کند، زیرا چنین گفتاری در مقابل حق قرار دارد و به نوعی ظلم به حقیقت و انسان‌ها محسوب می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۱). این تعریف گسترده، شامل هرگونه ادعای نادرست و غیرمستند می‌شود که به قصد فریب یا نادیده گرفتن حقایق بیان می‌گردد و در نهایت موجب بی‌اعتمادی و آشفتگی در جامعه می‌شود.

**ب) افتراء:** افتراء به معنای بیان نادرست و عمدی است که هدف آن آسیب رساندن به شهرت، حیثیت یا اعتبار فرد، گروه یا نهادی مشخص است. این نوع گفتار، با انگیزه‌های منفی و اغراض شخصی یا گروهی صورت می‌گیرد و به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۲۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳۳؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۱۸۱). مفسرانی که «زور» را در معنای افتراء به کار برده‌اند، استدلال کرده‌اند

که «زور» از ریشه «ازوار» به معنای انحراف است و بنابراین هر سخن باطل و غیرحقیقی را در بر می‌گیرد که باعث انحراف از حقیقت می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۲۲). در حدیثی درباره آیه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حُنْفَاءٌ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ) پرسیده شد که منظور از «قول زور» چیست و در پاسخ آمده است: «الافتراء علی الله والکذب» یعنی افترا بر خدا و دروغ‌گویی (تفسیر قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵). این دیدگاه نشان می‌دهد که «قول زور» نه تنها شامل گفتارهای دروغین در مورد افراد بلکه حتی نسبت‌های ناروا به خداوند نیز می‌شود که از بزرگ‌ترین مصادیق ظلم و گمراهی است.

**ج) دروغ:** دروغ، سخنی است که عمداً با واقعیت ناسازگار بوده و با هدف فریب دیگران بیان می‌شود. این نوع گفتار می‌تواند به صورت کلامی (گفتار یا نوشتار) یا غیرکلامی (رفتار، اشاره یا سکوت عمدی برای پنهان کردن حقیقت) باشد که همه این اشکال دروغ، مصداق «قول زور» به شمار می‌آیند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۲۵۷؛ طوسی؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۴۰). آلوسی برای تأیید این معنا، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که سه بار فرموده‌اند: «شهادت دروغ هم‌سنگ شرک به خداست»، سپس آیه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» را تلاوت کردند. وی معتقد است که متن روایت دلالت بر تخصیص ندارد و بنابراین آیه شامل دروغ نیز می‌شود و این نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده پرهیز از دروغ در آموزه‌های اسلامی است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۵۲۴). در حدیثی دیگر نیز پرسیده شد که منظور از «قول زور» چیست و پاسخ داده شد: «الکذب» یعنی دروغ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۲۵۴). این تأکیدات متعدد نشان می‌دهد که دروغ‌گویی، به عنوان یکی از مصادیق بارز «قول زور»، به شدت مذمت شده و ترک آن از واجبات اخلاقی و دینی است.

در این نگره، «قول زور» به عنوان مجموعه‌ای از گفتارهای باطل، افترا و دروغ معرفی شده است که همگی در نفی حقیقت و ایجاد ظلم و گمراهی مشترک‌اند. این تعبیر گسترده، نشان‌دهنده اهمیت فراوان پرهیز از هر گونه سخن نادرست و فریبنده در زندگی فردی و اجتماعی است و تأکید می‌کند که حفظ صداقت، راستی و عدالت در گفتار، از اصول بنیادین دین و اخلاق به شمار می‌آید. بنابراین، «قول زور» نه تنها به معنای یک نوع خاص از سخن نادرست نیست، بلکه شامل هر گونه گفتار باطل، تحریف‌شده، افترا و دروغ است که می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظهور یابد و جامعه را دچار آسیب‌های جدی کند.

## تحلیل و نقد

با وجود قوت‌های قابل توجه، این تفسیر دارای کاستی‌ها و محدودیت‌هایی به



شرح زیر نیز است:

۱- محدود شدن به بُعد گفتاری: واژه «قول» در قرآن، گرچه به ظاهر بر گفتار دلالت دارد، اما در بسیاری از موارد، بار مفهومی عمیق تری دارد و می تواند نشان دهنده موضع گیری، اندیشه و حتی رفتار باشد. بنابراین، تفسیر قول زور به صرف سخن، نوعی تقلیل گرایی مفهومی است. «اگرچه در برخی روایات قول زور به غنا یا شهادت به باطل تفسیر شده است، این موارد تنها نمونه هایی از مصادیق آن محسوب می شوند و نباید مفهوم آیه را محدود به آن ها دانست» (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۴، ص ۸۹).

۲- نادیده گرفتن گستره واژه «زور»: «زور» تنها به معنای سخن باطل نیست، بلکه معنای آن در متون لغوی فراتر از دروغ و افتراء است و بر ساختاری دروغین که واقعیت را می پوشاند نیز دلالت دارد. ابن فارس و راغب «زور» را انحراف از مسیر حق می دانند، و مصطفوی آن را انحراف درونی با حفظ ظاهر حق معرفی می کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۳۷؛ راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۸۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۴، ص ۳۸۴).

۳- مصادیق به جای مفهوم: در برخی منابع، «قول زور» به مصادیقی مانند شهادت دروغ یا غنا تفسیر شده، اما این ها باید به عنوان نمونه هایی از «قول زور» شناخته شوند، نه معادل کامل آن. در نتیجه، تفسیر «قول زور» به صرف قول باطل، نوعی خلط میان مفهوم و مصداق است. مصادیقی چون غنا یا شهادت به باطل تنها نمونه هایی از قول زور هستند، نه محدودکننده معنای آن (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۴، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۰).

۴- عدم شمول برای رفتارهای غیرگفتاری باطل: بسیاری از نمودهای باطل در جامعه، نه در سخن، بلکه در عمل بروز پیدا می کنند (مثل تزویر، ربا، نفاق رفتاری). تفسیر آیت الله خامنه ای دقیقاً از این زاویه وارد می شود و تصریح می کند که قول زور ناظر به مطلق باطل است، چه در گفتار، چه در رفتار و حتی اندیشه (خامنه ای، ۱۳۹۸ ش، ص ۵۱).

۵- وجود روایات با مضامین متفاوت: اگرچه برخی روایات «قول زور» را به دروغ یا شهادت به باطل معنا کرده اند، اما احادیثی نیز وجود دارد که مصداق آن را غنا یا تشویق به آن دانسته اند؛ از جمله روایت امام صادق (ع) که می فرماید: «از جمله مصادیق قول زور این است که کسی به آواز خوانی بگوید: خوب خواندی!» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۴). این مسئله نشان می دهد که «قول زور» تنها به گفتار محدود نمی شود و در عرف دینی، جنبه های رفتاری نیز دارد. بنابراین لازم است این تفسیر در چارچوب یک معنای گسترده تر از «باطل» قرار

گیرد، تا هم با ظاهر آیه و هم با تأملات روایی و تفسیری سازگار باشد. بنابراین آنچه ذکر شد، تفسیر «قول الزور» به «قول باطل» دقیق ارزیابی نمی‌شود.

#### ۲-۴. تفسیر «قول زور» به «فعل باطل»

برخی از مفسران بر این باور و اعتقاد راسخ هستند که اصطلاح «قول زور» می‌تواند به معنای «فعل باطل» و یا رفتاری نادرست و غیرمجاز تعبیر شود. فعل باطل به هر نوع رفتاری گفته می‌شود که برخلاف دستورات و قوانین شرع مقدس اسلام انجام می‌گیرد، عملی که فاقد هرگونه سود حقیقی و معنوی برای انسان است و در نهایت موجب غفلت و دوری از یاد خداوند متعال می‌شود و همچنین همراهی با گناه و معصیت را به دنبال دارد. یکی از نمونه‌های بارز و آشکار این گونه افعال باطل و ناپسند، غنا و آوازخوانی‌هایی است که در آن‌ها ترجیع‌بندها و ریتم‌هایی دلنشین و طرب‌انگیز به کار رفته است و معمولاً این نوع آوازها همراه با لهو، لعب و سرگرمی‌های ناسالم بوده و مناسب مجالس و محافل گناه‌آلود و خلاف شرع می‌باشند. برای مطالعه بیشتر و بررسی دقیق‌تر این موضوع، می‌توان به منابع معتبر و تفاسیر معروف مانند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۹۵) و (قمی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۸۴) مراجعه کرد. در یکی از روایات ارزشمند و قابل توجه از امام صادق علیه‌السلام، زمانی که از ایشان درباره مصداق دقیق و مشخص «قول زور» سؤال شد، آن حضرت فرمودند: «از جمله مصداق قول زور این است که کسی به آوازخوانی بگوید: خوب خواندی!» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۱۳) این بیان نورانی نشان می‌دهد که نه تنها خود فعل غنا بلکه تشویق و تحسین آن نیز از مصداق قول زور به شمار می‌آید و باید از آن اجتناب کرد. همچنین در تفسیر آیه شریفه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» که در سوره حج، آیه ۳۰ آمده است، امام صادق علیه‌السلام در تبیین و شرح معنای «قول زور» فرمودند: «الزور هنا الغناء»: یعنی منظور از «قول زور» در این آیه، غنا و آواز حرام و ناپسند است که باید از آن اجتناب شود. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴۰). در حدیثی دیگر، امام محمد باقر علیه‌السلام نیز در تبیین همین آیه شریفه فرمودند: «قول الله عزوجل: وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ قال... خداوند متعال در این آیه، غنا و آواز حرام را مراد فرموده است و از مسلمانان خواسته است که از آن به شدت پرهیز کنند. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۰)

این مجموعه روایات و تفاسیر معتبر و مستند نشان می‌دهد که اصطلاح «قول زور» در برخی از تفاسیر و تعابیر دینی به معنای عملی باطل، گناه‌آلود و ناپسند مانند غنا است که نه تنها از نظر شرعی و دینی مذموم و ممنوع می‌باشد، بلکه موجب غفلت انسان از یاد خداوند متعال و همراهی با گناه و معصیت می‌گردد. بنابراین این مسلمانان باید با



دقت و توجه کامل از چنین افعال و رفتارهایی که در زمره «قول زور» قرار می‌گیرند، پرهیز کنند تا هم در دنیا و هم در آخرت بهره‌مند از رحمت و رضایت الهی باشند.

### تحلیل و نقد

درباره نظر این دسته از مفسران نیز ملاحظاتی به شرح زیر وجود دارد:

(۱) این دیدگاه «قول زور» را به افعال باطل و گناه‌آلودی مانند غنا، آوازه‌های طرب‌انگیز، و تشویق به آن تفسیر می‌کند. مستندات این دیدگاه عمدتاً بر مجموعه‌ای از روایات معتبر از امامان معصوم علیهم‌السلام مبتنی است که در آن‌ها غنا یا تشویق به آن، به صراحت به عنوان مصداق «قول زور» معرفی شده است. از جمله: روایت امام صادق (ع): «از جمله مصادیق قول زور این است که کسی به آوازخوانی بگوید: خوب خواندی» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۳۱۳). روایت دیگر: «الزور هنا الغناء» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۴۴۰). روایت از امام باقر (ع): «مراد خداوند از قول زور، غنا و آواز حرام است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۳۰۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۴). این تفسیر تلاش دارد مفهوم «قول زور» را از بعد گفتاری فراتر برده و آن را شامل رفتارهایی بدنی، مانند غنا، کند. تحلیل این دیدگاه با در نظر گرفتن نکات زیر صورت می‌گیرد:

(۲) توسعه غیرمستند «قول» به «فعل»: از منظر لغت، «قول» در اصل به معنای گفتار، سخن یا بیان است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۶). توسعه این واژه به معنای رفتار، در صورتی قابل قبول است که قرینه‌ای قوی، چه از سیاق آیه و چه از سنت، آن را پشتیبانی کند. در غیر این صورت، این توسعه نادقیق و نوعی تأویل دور از ظاهر است. مقاله نیز به درستی اشاره می‌کند که توسعه معنای «قول» به «فعل» بدون قرینه قطعی، قابل نقد است.

(۳) خلط مصداق با مفهوم: روایاتی که غنا یا تشویق آن را از مصادیق «قول زور» شمرده‌اند، غالباً در مقام بیان مصداق هستند، نه تعریف ماهیت مفهومی آیه. به عبارت دیگر، این روایات نشان می‌دهند که غنا می‌تواند یکی از نمونه‌های قول زور باشد، نه اینکه معنای «قول زور» به «فعل باطل» منحصر شود (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۳۰۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۴۴۰؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۴). بنابراین، دیدگاه دوم دچار خلط مفهوم و مصداق شده و نمی‌تواند ادعای جامعیت در تفسیر آیه داشته باشد.

(۴) ضعف پشتوانه‌های زبانی: در تفاسیر لغوی، «قول» همچنان دارای بار معنایی گفتاری است، و هرچند برخی واژه‌شناسان مانند مصطفوی بر بعد گسترده‌تر آن تأکید کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۹، ص ۳۷۶)، اما هیچ‌یک «قول» را

مستقیماً به رفتار فیزیکی (فعل) اطلاق نکرده‌اند. بنابراین، از منظر معناشناسی قرآن، این تفسیر در گستره زبانی دقیق نیست.

۵) محدودیت تفسیری و ناتوانی در پوشش کامل باطل: تأکید این دیدگاه بر یک مصداق خاص (یعنی غنا)، موجب تقلیل معنای گسترده باطل به یک رفتار محدود می‌شود و از شمول آن نسبت به دیگر رفتارها یا گفتارهای باطل جلوگیری می‌کند. چنین تفسیری توان تحلیل فرهنگی، سیاسی یا معرفتی باطل را ندارد و صرفاً در محدوده اخلاق فردی باقی می‌ماند. در حالی که سیاق آیه ۳۰ سوره حج، با تعبیر «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» ناظر به یک نهی کلان و فراگیر است. بنابر آنچه ذکر شد، تفسیر «قول الزور» به «فعل باطل» دقیق ارزیابی نمی‌شود.

#### ۴-۳- تفسیر «قول زور» به «مطلق باطل»

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم «قول زور» به شکل گسترده‌تری مورد تفسیر قرار گرفته و به «مطلق باطل» تعمیم یافته است. به عبارت دقیق‌تر، ایشان «قول باطل» را به معنای هر چیزی که هیچ‌گونه نشانی از حقیقت، درستی و حقیقت در آن وجود نداشته باشد، تلقی می‌کنند. این تعریف بسیار جامع است و شامل هر گونه گفتار، رفتار یا عملی می‌شود که از حقیقت و عدالت فاصله دارد و فاقد هر نوع مبنای صحیح و مستدل باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۵۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۵۲۴؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۸۹). ایشان در این زمینه دلایل متعددی را بیان کرده‌اند که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شود:

**الف) گستردگی مفهوم «زور» و باطل بودن آن:** اولین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای این است که وقتی در سخن دینی و اخلاقی گفته می‌شود «حرف باطل نزن»، منظور صرفاً محدود به «حرف» و گفتار نیست، بلکه مقصود کلی‌تر و وسیع‌تری دارد. به این معنا که نهی از باطل، به صورت مطلق مطرح شده است و تنها به کلام محدود نمی‌شود. بلکه هدف اصلی زدودن هر گونه باطل از ذهن، گفتار و رفتار انسان است. بنابراین، «زور» یا باطل در اینجا به هر چیزی اطلاق می‌شود که حقیقت ندارد و نادرست است، چه در قالب کلام باشد و چه در قالب عمل یا رفتار. به بیان دیگر، نهی از باطل، یک نهی کلی و فراگیر است که شامل تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و هدف آن پاک‌سازی ذهن و عمل انسان از هر گونه نادرستی و خطا است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۵۱).

**ب) عدم تمایز میان قول، فعل و سایر مصداق باطل:** دلیل دوم این است که وقتی گفته می‌شود «قول زور»، منظور مطلق زور و باطل است و تفاوتی میان شکل‌های مختلف باطل وجود ندارد. به عبارت دیگر، چه باطل در قالب «قول» یا گفتار باشد،



چه در قالب «فعل» و رفتار، و یا هر نوع حرکت و عمل دیگری که به نحوی نادرست، ناحق و خلاف حقیقت باشد، همه این‌ها در دایره باطل قرار می‌گیرند و نهی از آن‌ها ضروری است. این دیدگاه نشان می‌دهد که مبارزه با باطل نباید به یک بعد محدود شود، بلکه باید در تمام ابعاد زندگی و رفتار انسان جاری باشد. هر گونه گفتار، عمل یا رفتاری که باطل و نادرست است، باید از آن اجتناب شود و به عنوان یک اصل اخلاقی و دینی مورد توجه قرار گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ش، ص ۵۱).

بنابراین، در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مبارزه با باطل، به شکل مطلق و فراگیر، یکی از اصول بنیادین و غیرقابل اغماض در زندگی فردی و اجتماعی است. این مبارزه شامل تمام ابعاد وجودی انسان می‌شود؛ از گفتار و کلام گرفته تا رفتار و عملکردهای عملی. ایشان تأکید می‌کنند که همواره باید توجه داشت که باطل، به هر شکل و در هر قالبی که باشد، باید مورد نفی و مقابله قرار گیرد و از آن پرهیز شود. این نگاه جامع و عمیق، نشان‌دهنده اهمیت بالای مبارزه با نادرستی و دروغ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است و بر ضرورت اهتمام دائم به این مسئله تأکید می‌ورزد.

### بررسی و تحلیل

برخلاف دو دیدگاه نخست که بر گفتار یا رفتار خاصی تمرکز داشتند، این دیدگاه به بُن‌مایه معنایی «زور» پرداخته و آن را معادل مطلق باطل دانسته است؛ یعنی هر آنچه نشانی از حقیقت و راستی نداشته باشد، مصداق «زور» است، چه در قالب گفتار، چه در رفتار، چه در اندیشه. درباره این دیدگاه نکاتی به شرح زیر در تقویت این دیدگاه قابل توجه است:

۱- عمق و گستره‌ی معنایی: آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کند که وقتی در فرهنگ قرآنی گفته می‌شود «قول زور»، مقصود تنها گفتار نادرست نیست؛ بلکه منظور هرگونه باطل است. ایشان می‌فرمایند: «نهی از قول زور، نهی از باطل است؛ و نه فقط نهی از دروغ. یعنی هرچه باطل است را نباید گفت، نباید شنید، نباید عمل کرد» (همان، ص ۵۱). از نظر ایشان، این عبارت قرآنی، نه فقط نهی از یک رفتار یا سخن خاص، بلکه فراخوانی به طرد تمام ساختارهای باطل و غیرحق در تمام ابعاد زندگی است. این تفسیر، مرز میان «قول»، «فعل»، و حتی «نگرش» را از میان برمی‌دارد و همه را در دایره‌ی مفهوم «باطل» جای می‌دهد.

۲- نگاه تمدنی و اخلاقی: در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نهی از قول زور فقط یک فرمان اخلاقی فردی نیست، بلکه یک دستور اجتماعی-تمدنی است؛ برای پاک‌سازی جامعه از هرگونه نظام باطل. به همین دلیل، ایشان بیان می‌دارند که: «مبارزه با باطل، مبارزه با یک کلمه نیست؛ مبارزه با یک ساختار است؛ خواه گفتاری، رفتاری یا حکومتی» (همان، ص ۵۳).

۵. چرایی تفسیر «قول زور» به «مطلق باطل» از نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مباحث پیشین آراء و اقوال مفسران در تفسیر «قول زور» بیان شد و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان دیدگاه مختار پژوهش آمد. علت این نظر، امتیازاتی است که تفسیر ایشان به لحاظ روشی از آن برخوردار است که موجب دستیابی به معنای دقیق‌تری از این تعبیر می‌گردد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

#### ۵-۱- تاریخ‌گذاری حدیث و بیان شرایط صدور روایت

در تفاسیر اعم از تفاسیر متقدم و متاخر، مفسران روایات مربوط به «قول زور» را بدون بیان تاریخ و شرایط صدور بیان نموده‌اند. و روایت مربوط به «قول الزور: الغناء» غالباً در همه تفاسیر تکرار شده است. توجه به تاریخ‌گذاری روایت یکی از ضرورت‌های تفسیری به خصوص در ارتباط با موضوعات فقهی به شمار می‌آید. آیت‌الله خامنه‌ای صدور بیشتر روایات مربوط به «قول زور» را از سوی امام صادق علیه‌السلام می‌دانند که این امر به دلیل عصری بودن موضوع «غنا» در زمان ایشان است: ایشان در این خصوص می‌گویند: «عصر امام صادق (علیه‌السلام) ... عصری بوده است که مسئله‌ی غناء در بین آحاد مردم، طبقات مردم، به شکل‌های مختلف، ترویج می‌شده، مخصوص خلفا و دربارها هم نبود. در بین آحاد مردم همین‌طور ترویج می‌شد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ۱۷) و بنابراین تأکیدی که از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌شده از این جهت بوده است.

ایشان معنای «قول الزور» به معنی «مطلق باطل» را از واضحات و محکّمات می‌دانند و معتقدند که اصحاب امام صادق علیه‌السلام معنی این عبارت را می‌دانستند اما آن چه سبب می‌شد از امام علیه‌السلام راجع به «قول زور» سوال کنند فتوای دیگری بود که در آن زمان رایج شده بود که غناء را مکروه می‌دانستند و قولی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده بود که ایشان «قول الزور» را غنا تفسیر نمودند و اصحاب می‌خواستند که این عبارت را از بیان مبارک خود امام علیه‌السلام استماع نمایند و این به این معنا نیست که قول زور شامل سایر امور باطل مانند غیبت، دروغ و مانند آن نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ۱۸)

#### ۵-۲- التزام به قواعد تفسیری

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به قواعد تفسیری، دیدگاه‌هایی که مراد از «قول زور» را «فعل باطل» و یا «قول باطل» می‌دانند، مورد مناقشه قرار می‌دهند قواعدی که ایشان در این باره به آن استناد می‌نمایند بدین شرح است:

#### ۵-۲-۱- حجیت قول لغوی در فهم معانی واژگان قرآن

معنای مشهور کلمه «زور» بین لغویان، هر امر باطل و منحرف است. استناد به



معنای مشهور میان واژه شناسان از اصول مهم تفسیر به شمار می‌آید. شیخ طوسی در مقدمه تفسیر می‌نویسد: «هنگامی که تفسیر نیازمند شاهدی از لغت بود شاهد لغوی قبول می‌شود که معلوم و مشهور بین واژه‌شناسان باشد؛ اما الفاظ نادر و دیدگاه‌های خاص که به صورت خبرهای واحد نقل شده است موجب یقین نمی‌شود». (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۱، مقدمه)

آیت‌الله خامنه‌ای در این که «قول الزور» از متشابهات باشد تشکیک می‌کنند و بیان می‌نمایند که هر کس که عربی بداند این معنا را می‌فهمد که «زور» به معنی باطل است و باطل هم معنای وسیعی است که مصادیق گوناگونی دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش، ۱۸)

### ۵-۲-۲- توجه به گونه های تاویل در روایات تفسیری

یکی از قواعد خاص تفسیر، قاعده «جری و تطبیق» است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱، ۴۳۸). علامه طباطبایی در تعریف این قاعده می‌گویند: «این شیوه ائمه اهل بیت علیهم السلام است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق با آن است تطبیق می‌کنند اگر چه خارج از مورد نزول باشد». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴۱ و ۴۲). «جری» نوعی از تفسیر به شمار می‌آید چون مصادیق آیه را مشخص می‌کند و تعیین یک مصداق از آیه به معنی نفی مصادیق دیگر آن نیست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱، ۲۴۰ و ۲۴۱) آیت‌الله خامنه‌ای حمل روایات از «قول زور» به معنای «غناء» را از قبیل تاویل و تعیین مصداق برای آیه می‌دانند و معتقدند که روایات معصومین علیهم السلام به جهت یا علتی مصداق یا مصادیقی از آیه را بیان نموده‌اند و به این معنا نیست که آیه منحصر به یک مصداق باشد؛ ایشان در این خصوص با ذکر مثالی چنین بیان می‌کنند: «در غالب روایات تفسیری نوعی تاویل هم هست. ائمه (علیهم السلام) در بیشتر روایات تفسیری، آیه‌ی قرآن را تاویل می‌کنند یعنی مثلاً یٰکِ مِصْدَاقِیْ آن معنایی را که در آیه‌ی شریفه آمده که مصداق غیر بیّنی است، و راسخون فی العلم آن را می‌دانند بیان می‌کنند؛ مثل اینکه در خیلی از آیات شریفه‌ی قرآن که از عباد صالحین یا صدیقین با خصوصیات اسم برده شده است، فرموده‌اند: مراد ما هستیم. این معنایش این نیست که آیه منحصر به این افراد است بلکه این روایات به جهتی و به علتی مصداقی از مصادیق آیه را بیان می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش، ۴۵)

۵-۲-۲- استناد به قاعده سیاق در بیان وجه آوردن کلمه «قول» به همراه «زور»  
توجه به سیاق یکی از قواعد مهم تفسیر به شمار می‌آید به نحوی که مفسران آن را بر ظاهر روایات نیز مقدم دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۷، ۹۰ و ۹۱). سیاق نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و سخن است که بر اثر همراه بودن آن‌ها با

کلمه ها و جمله های دیگر به وجود می آید. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۲۰)

معنای برگزیده ای که از عبارت «قول الزور» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در این پژوهش ارائه شد عبارت است از «مطلق باطل». حال ممکن است این سوال مطرح شود که وجه استناد به واژه «قول» در آیه مورد بحث چیست. ایشان با تمسک به قاعده سیاق، بیان می کنند که با توجه به این که سیاق آیه در خصوص آداب قولی مشرکان در ایام حج است تعبیر «قول» به «کلمه زور» اضافه شده است: «چون آیه در باب حج است و مسائل حج را بیان می فرماید و در این آیه ی شریفه نظر دارد به خصوص آن قول باطلی که عرض کردیم اهل جاهلیت می گفتند: «لَبَيْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكًا هَوْلُكَ، تَمَلِكُهُ وَمَا مَلَكَ» تو مالك [آن شريك] هستی و مالك هرچه که او مالك است، که این خودش شرك محض بود؛ چون مورد توجه در درجه ی اول عبارت بود از قول مشخص و معینی که باطل بود، لذا تعبیر قول را آورده است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ۵۲) و این ترکیب، معنای «اطلاق امر باطل» را از کلمه «زور» جدا نمی کند.

## ۶. نتایج مقاله

در پاسخ به این سؤال پژوهش، نتایج زیر به دست آمد:

دیدگاه اول، «قول زور» را به گفتار نادرست نظیر دروغ، افترا و شهادت به باطل محدود می کند. این دیدگاه از نظر لغوی و روایی مستند است، اما در تفسیر آیه دچار تقلیل گرایی مفهومی می شود، چراکه باطن واژه «قول» در قرآن، گاه فراتر از صرف گفتار است و جنبه های اعتقادی و اجتماعی نیز می یابد.

دیدگاه دوم، معنای «قول زور» را به افعال باطل، به ویژه غنا، توسعه داده است. این دیدگاه گرچه با روایات مؤیدی همراه است، اما از نظر اصول زبانی و قواعد تفسیر، توسعه معنای واژه «قول» به «فعل» بدون قرینه قطعی، قابل نقد است.

دیدگاه سوم که توسط آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده، «قول زور» را ناظر به مطلق باطل می داند؛ یعنی هر گونه گفتار، رفتار، نگرش و ساختار خلاف حقیقت. این دیدگاه با پشتوانه لغوی، سیاق آیه، روایات و نگاه تمدنی قرآن، تبیین عمیق تر و جامع تر ارائه می دهد و می تواند مصادیق دیگر را نیز در دل خود جای دهد.

با تطبیق این دیدگاه ها و بررسی نقاط ضعف و قوت هر یک، می توان نتیجه گرفت که «قول زور» مفهومی چندلایه است و تنها در یک مصداق خاص (مثلاً دروغ یا غنا) خلاصه نمی شود، بلکه ناظر به همه ی جلوه های باطل در اندیشه، بیان، فرهنگ و رفتار است. در نتیجه، تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان تفسیر جامع و تمدنی، توانمندتر در تبیین مفهوم و پیام آیه ظاهر شده و بیشترین انطباق را با روح کلی قرآن و منطق اجتناب از باطل دارد.



## ۶. منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، تونس: الدار التونسیه للنشر.
۳. ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۴. بابایی، علی اکبر، غلامعلی عزیزی کیا، مجتبی روحانی راد و محمود رجیبی، (۱۳۸۸ش)، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت.
۷. حسن جبل، محمد، (۲۰۱۰م)، دراسات فی اللغة و التفکیر، قاهره: دارالمعارف.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۹. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۸ش)، غنا و موسیقی، تهران: موسسه فرهنگی-پژوهشی انقلاب اسلامی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
۱۲. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دار المعرفه.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الیب)، بیروت: دار احياء التراث العربی.
۱۹. فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: مکتبه الآداب.
۲۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

## Resources:

The Holy Quran.

1. Al-Alosi, Mahmud. (1415 AH). Roh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
2. Ibn Ashur, Mohammad Tahir. (1420 AH). Al-Tahrir wa'l-Tanwir. Tunis: Al-Dar al-Tunisiyyah lil-Nashr.
3. Ibn Faris, Ahmad. (1404 AH). Maqayis al-Lughah. Beirut: Dar al-Fikr.
4. Babaei, Ali Akbar, Gholamali Azizikiya, Mojtaba Ruhani-rad, and Mahmoud Rajabi. (1388 SH). Ravash-shenasi-ye Tafsir-e Quran. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
5. Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1404 AH). Tafsir al-Qummi. Qom: Dar al-Kitab.
6. Hurr al-Amili, Mohammad ibn al-Hasan. (1414 AH). Wasa'il al-Shia. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
7. Hasan Jabal, Mohammad. (2010 AD). Dirasat fi al-Lughah wa al-Tafkir. Cairo: Dar al-Ma'arif.
8. Huwayzi, Abd Ali ibn Jumah. (1415 AH). Tafsir Nur al-Thaqalayn. Qom: Isma'iliyan.
9. Khamenei, Seyyed Ali. (1398 SH). Ghina va Musighi. Tehran: Institute for Islamic Culture and Research.
10. Raghieb Isfahani, Husayn ibn Mohammad. (1412 AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Damascus: Dar al-Qalam.
11. Raza'i Isfahani, Mohammad Ali. (1387 SH). Manteq-e Tafsir-e Quran. Qom: Jame'ah al-Mustafa al-Alamiyyah.
12. Zamakhshari, Mahmud. (1407 AH). Al-Kashshaf an Haqa'iq al-Tanzil. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
13. Tabataba'i, Mohammad Husayn. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Islamic Propagation Office.
14. Tabarsi, Fazl ibn al-Hasan. (1372 SH). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Tehran: Naser Khosrow.
15. Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1412 AH). Jami al-Bayan an Ta'wil Ay al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
16. Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. (1409 AH). Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran. Qom: Maktabat al-I'lam al-Islami.
17. Ayyashi, Mohammad ibn Masud. (2001). Tafsir al-Ayyashi. Tehran: Al-Maktabah al-Ilmiyyah al-Islamiyyah.
18. Fakhr al-Razi, Mohammad ibn Umar. (1420 AH). Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
19. Fazlallah, Mohammad Husayn. (1419 AH). Min Wahy al-Quran. Beirut: Maktabat al-Adab.
20. Mostafavi, Hassan. (1368 SH). Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
21. Makarem Shirazi, Naser. (1371 SH). Tafsir-e Nemooneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.